



علی‌رضا عباسی مقدم
کارشناس ارشد
زبان و ادب فارسی
و دبیر ادبیات
دبیرستان‌های شهریار
و مدرس دانشگاه آزاد
و علمی-کاربردی تهران

چکیده

نویسنده در این مقاله کوشیده است که ضمن معرفی سید اشرف‌الدین گیلانی، معروف به نسیم شمال، ویژگی‌های شعر او را بررسی کند و فراروی خواننده بگذارد. السلام ای اشرف‌الدین السلام افتخار رشت و قزوین السلام دیده‌خلق از نسیمت روشن است ساحت دل‌ها ز شجرت گلشن است

کلیدواژه‌ها:

اقتباس شعری، تضمین، ترجیع‌بند، ضرب‌المثل‌ها، روزنامه ملا نصرالدین و...

نسیم شمال سید اشرف‌الدین حسینی به سال ۱۲۸۷ ه.ق. در قزوین به دنیا آمد. در شش ماهگی یتیم شد و خیلی زود طعم فقر و دربه‌داری را چشید. او در نوجوانی پنج سال در کربلا و نجف به سر برد. اما بعدها عشق به وطن او را به ایران کشاند. پس به قزوین آمد و در بیست و دو سالگی از آنجا عازم تبریز شد. در راه با پیری روشن ضمیر آشنا شد و از او کسب فیض کرد. تحصیلات مقدماتی را با آموختن صرف و نحو و منطق و فقه و کلام و هندسه و هیئت و جغرافیا در تبریز به انجام رساند. بعد به گیلان رهسپار شد و در رشت سکونت اختیار

کرد. نخستین شعرهای خود را در آن جا سرود و از مردم آن دیار محبت‌ها دید. به سال ۱۳۲۴ هجری قمری، که مشروطه بنیان نهاده شد، هفته‌نامه نسیم شمال را، که روزنامه‌ای ادبی و فکاهی و بیشتر منظوم بود، در رشت تأسیس کرد. سرانجام به اشرف‌الدین نسبت جنون دادند و به این بهانه او را به تیمارستان، که در زندان واقع بود، منتقل کردند. سید پس از آن چندی با فقر و بیماری سر کرد تا این که در سال ۱۳۵۲ هجری قمری مطابق با ۱۳۱۳ شمسی درگذشت.

ویژگی‌های شعر اشرف‌الدین گیلانی، معروف به نسیم شمال (م ۱۳۵۲ ق، ۱۳۱۳ ش) را از دیدگاه زبانی و محتوایی می‌توان به شرح زیر برشمرد.

۱. تأثیرپذیری از ادب کهن چه از نظر قالب و چه محتوا، از ویژگی‌های بارز شعر اشرف‌الدین است. او بیش از همه به حافظ نظر داشته، از او الهام گرفته و به تضمین شعرهایش پرداخته است. اشرف‌الدین دو غزل معروف حافظ را تضمین کرده است: اولی با مطلع «گر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را/ به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را»، و دومی با مطلع «واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند/ چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند». وی همچنین از فردوسی، منوچهری، مولوی، سعدی، نظامی، عبید زاکانی، شاه نعمت‌الله ولی، ناصر خسرو و محتشم کاشانی تأثیر پذیرفته یا از آنان نام برده است، که در این مقدمه کوتاه مجال پرداختن به همه آنها نیست و تنها به برخی از این تأثیرپذیری، که عمدتاً محتوایی است، اشاره می‌کنیم.

منوچهری در مسمط با طراوتش می‌گوید:

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است
باد خنک از جانب خوارزم وزان است

اشرف‌الدین:

بوی خوشی از خانه ارباب وزان است
ماه رمضان است

مولوی در غزلی می‌گوید:

دی شیخ گرد شهر همی گشت با چراغ
کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

اشرف‌الدین:

می‌گفت به مرغان هوا آدم آبی

در شهر بُود قحطی انسان، قوقولی قو

عبید زاکانی:

رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز
تا داد خود از مهتر و کهتر بستانی

اشرف‌الدین:

جز مسرخ در مجلس اعیان نپسندند
رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز

اشرف‌الدین به تضمین شعرهای سعدی نیز پرداخته است:

ای که دستت می‌رسد کاری بکن

پیش از آن کز تو نیاید هیچ کار

اشرف‌الدین:

تا که دستت می‌رسد غیر نکو کاری مکن

ای که دستت می‌رسد کاری بکن

«اشرف‌الدین شعری گیلکی را هم تضمین کرده است:

های گیلهمردان ویریزید بلبل بینشته دار سر/

های سرخ ریشان بخوسید، جغلان بشید کار سر

های سیم شهید کپور شهید لشته نشا بازار سر/

شاه ز مشروطه رضا می‌شود و نمی‌شود

مصراع نخست و پاره دوم از مصراع دوم، از شعری دوازدهبیتی است که گوینده‌اش گمنام است» (مقدمه نسیم شمال: ۴۰)

«بسیاری از شعرهای اشرف‌الدین در قالب مستزاد، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، تخمیس و امثال آن طوری است که غالباً یک مصراع به صورت بند و برگردان تکرار می‌شود و این کیفیت از یک طرف بر اثر تکرار، جان کلام را مرکوز ذهن خوانندگان می‌کرده است و از طرف دیگر به خاطر سپردن اشعار را آسان می‌نموده است؛

به خصوص وقتی که این برگردان مثلی عامیانه و مشهور بود، این قوت تأثیر و سرعت رواج به اوج می‌رسید.» (چشمه روشن: ۳۸۷)

۲. استعمال پر بسامد نام آواها و اصوات؛ مانند قوقولی قوقو، بقره بقو بقو بقو، هی هی جبلی قم قم از دیگر ویژگی‌های اشرف‌الدین است.

۳. استعمال واژه‌های بیگانه، اعم از روسی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، هندی و غیره، در سرتاسر دیوان اشرف‌الدین مشهود است؛ نظیر زاگون، مادمازل، آبرویان، شریپل، ماهوت و....

۴. استعمال لغات رایج در لهجه‌های ایرانی، اعم از گیلانی، مازندرانی، طالشسی، تهرانی ترکی؛ نظیر ویریزید، دار سر، عودلاجون، فانلاری و....

۵. به کار بردن ترکیبات عربی؛ این ترکیبات در سرتاسر دیوان

تأثیرپذیری از
ادب کهن چه
از نظر قالب
و چه محتوا،
از ویژگی‌های
بارز شعر
اشرف‌الدین
است. او بیش
از همه به حافظ
نظر داشته، از
او الهام گرفته
و به تضمین
شعرهایش
پرداخته است

بهره‌گیری از
ضرب‌المثل‌ها؛
اشرف‌الدین
بسیاری از
اشعار خود
را به کمک
مثل‌های سایر،
عامیانه و
مشهور سروده
است. چرا که
این مثل‌های
سایر، به سبب
وزن و قافیه
داشتن، برای
مردم مأنوس‌تر
و قوت‌تأثیر و
سرعت رواج
آن‌ها بیشتر
است

سید اشرف‌الدین به وفور دیده می‌شوند. از جمله: طی الارض، تاج‌الشعراء، تحت‌الحنک، غافر الذنوب، وا اسفا، فصل الخطاب، و صدر الفصحا.

۶. استعمال ابیات از زبان‌های دیگر به صورت ملمع:

ژورنالده بوخلقی ایلمه خوار آملا

بیهوده مزن چانه بسیار آملا

پادشه و شحنه و داروغه مست

والعلما اکثرهم جاهلون

(ص ۲۱۷)

(ص ۳۰۹)

۷. انعکاس حوادث و رویدادهای تاریخی در شعر اشرف‌الدین؛ مانند: قتل میرزاده عشقی، روی کار آمدن رضاخان، حمله سردار معز به آستارا، جنگ جهانی اول و ورود مستشارانی چون هنس و مرنارد به ایران.

۸. جایگاه ویژه زن در شعر اشرف‌الدین؛ «اشرف‌الدین ضرورت سوادآموزی را بیش از هر نکته بازمی‌گوید و بر ضرورت تعلیم نسوان، که از مردان محروم‌تر بوده‌اند، تأکیدی می‌برد دارد:

ای دختر من، درس بخوان فصل بهار است

بیکار به خانه منشین موقع کار است

یک چادری از عفت و ناموس به سر کن

وان گاه برو مدرسه، تحصیل هنر کن»

(مقدمه جاودانه سید اشرف‌الدین)

اشرف‌الدین با بیش از یک زن به همسری گزیدن، میانه‌ای ندارد دو زن در خانه آوردن خلاف است

زنان را از خود آزدن خلاف است

زنان چون میوه باغ بهشت‌اند

همه پاکیزه و نیکوسرشت‌اند

۹. حضور همه طبقات اجتماعی جامعه در شعر اشرف‌الدین، از جمله: وکیل، طبیب، آخوند، تاجر، روضه‌خوان، درویش، فعله، زارع، رمال و کف‌بین. در قطعه «گفت‌وگویی دوازده تن در یک مجلس»، که به یک صحنه کوچک دراماتیک شبیه است؛ نمایندگان هریک از طبقات مختلف جامعه، اعمال زشت خود را برمی‌شمرند و به زبان خویش اعتراف می‌کنند که چگونه در انجام وظایفشان کوتاهی کرده و با زشتی رفتار و کردار خویش «هاله قدسیت» را از چهره جامعه بر گرفته‌اند.

«اشرف‌الدین شاعر دهقانان سرزمینش است. بگذار زبانشان را بدوزند؛ نسیم شمال به جای آنان سخن خواهد گفت:

افسوس حق زارع، امروز پایمال است

حاصل از این ادارات، فریاد و قیل و قال است

گویا که خون ملت بر مالکین حلال است

ای خواجه توانگر بزبن بلا نبینی

شلاق را به لنگر بزبن بلا نبینی

او شاعر رنجبران و کارگران نیز هست و درد آنان را می‌داند:

ای فعله تو هم داخل آدم شدی امروز

بیچاره چرا میرزا قشمشم شدی امروز

هرگز نکند فعله به ارباب مساوات

هرگز نشود صاحب املاک دمکرات

بی پول تقلا مزن ای بلهوس لات

زیرا که تو در فقر مسلم شدی امروز

بیچاره چرا میرزا قشمشم شدی امروز؟» (مقدمه نسیم شمال: ۳۲)

۱۰. بهره‌گیری فراوان از نام انواع شیرینی‌ها، افشده‌ها، میوه‌ها، غذاهای گوناگون و باورهای عامیانه مربوط به آن‌ها در شعر؛

اشرف‌الدین از فسّنجان بیش از همه خورش‌ها یاد کرده اما مرادش همه‌وقت این خورش‌گران و اعیانی، اما نسبت به خورش‌های دیگر کم‌رحمت‌تر و ساده‌تر، نبوده است. وی گاهی

هم بدین مثل گیلکی «فوسنجن کردن: سر و ته کاری را هم آوردن، کاری را زود به پایان بردن» نظر داشته است.

۱۱. کاربرد واژه‌هایی نظیر کالسکه، درشکه، گرمافون،

سیماتوگراف، ابزار آلات جنگی و غیره؛ در دیوان سید اشرف‌الدین،

توجه به تمدن جدید و پیشرفت‌های آن کاملاً مشهود است.

۱۲. توجه به ادبیات اروپا از دیگر ویژگی‌های شعر اشرف‌الدین است: «ترجمه منظوم او از برخی فابل‌های لافونتین و فلوریان،

مانند «گرگ و بره»، «کلاغ و روباه»، «بلبل و مورچه» در مجموعه گلزار ادبی از نمونه‌های خوب شعرهای ساده و کودکانه

است» (چشمه روشن: ۳۸۹)

۱۳. بهره‌گیری از ضرب‌المثل‌ها؛ اشرف‌الدین بسیاری از اشعار خود را به کمک مثل‌های سایر، عامیانه و مشهور سروده است. چرا

که این مثل‌های سایر، به سبب وزن و قافیه داشتن، برای مردم مأنوس‌تر و قوت‌تأثیر و سرعت رواج آن‌ها بیشتر است؛ مانند:

«شتر در خواب بیند پنبه‌دانه»، «رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز»، «بزرگ نمیر بهار میاد، خربزه با خیار میاد»، «این قافله تا به

حشر لنگ است»، «خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو»...

۱۴. انعکاس وضع طبقات محروم در سروده‌های شاعر؛ مجموعه شعرهای اشرف‌الدین، که در ایران و هندوستان بارها چاپ و

منتشر شده، حاوی شرح احوال مردم ایران و طبقات فرودست است، از زارع و فعله و کاسب و توده جاهل و گمراه گرفته تا زنان

مظلوم و دختران بی‌نصیب از تعلیم و تربیت. هرچه در ایران می‌گذرد، در شعر و روزنامه او منعکس است: بی‌بارانی و قحطی،

مقایسه تطبیقی

مقایسه تطبیقی شعر مهتاب کلید دمنه

چکیده

تلاش نگارنده در این مقاله بر آن بوده است که با نگرشی تطبیقی، تشابهاتی را که بین شعر مهتاب نیما یوشیج و داستان تمثیلی «شب‌تاب» از کتاب کلید دمنه وجود دارد، بررسی کند. نتیجه‌ای که از این مقاله به دست می‌آید، این است که به احتمال قریب به یقین، نیما یوشیج در سرودن شعر «مهتاب»، تحت تأثیر حکایت تمثیلی «شب‌تاب» از کتاب کلید دمنه، بوده است. در حقیقت، شعر شب‌تاب، باز آفرینی حکایت تمثیلی مهتاب است.

کلیدواژه‌ها:

شب‌تاب، مهتاب، باز آفرینی، توارد، تأثیر.

درآمد

آیا شعر «مهتاب» سایه‌روشنی است از حکایت تمثیلی «شب‌تاب» در کتاب معروف کلید دمنه، آن‌گاه که در مخیله نیما یوشیج باز آفریده می‌شود؟ باز آفرینی داستان‌های کهن، چنان‌که در شعر «حسنک امین» (به اقتفای «حسنک وزیر» تاریخ بیهقی «ویژه‌نامه بیهقی» (حافظ شماره ۳۰) آمده بود، کاری کارستان و شایان است اما این باز آفرینی‌ها همیشه آشکار نیست.

وقتی شعر «مهتاب» نیما یوشیج را با حکایت تمثیلی «شب‌تاب» از کتاب کلید دمنه مقایسه می‌کنیم، تشابهات فراوانی میان این دو اثر ادبی می‌بینیم. به نظر نمی‌رسد این نزدیکی و مشابهت‌ها چیزی از نوع «توارد» بوده باشد. به احتمال زیاد، نیما تحت تأثیر این حکایت قرار گرفته است. در اینجا حکایت تمثیلی «شب‌تاب» و شعر نمادین و اجتماعی و سیاسی «مهتاب» عیناً نقل می‌شود تا زمینه دآوری و مقایسه فراهم آید:

■ این مقاله به صورت مبسوط در وبلاگ نشریه آمده است.

گرانی، کمیابی نمان و ارزاق و لوازم زندگی، وضع مردم بینوا در سرما و یخبندان، تجاوز بیگانگان، ویرانی شهرها، ضعف یا بی‌اعتنایی دولت، بی‌خبری و غفلت مردم، خرافات عوام، انحراف مشروطه، زد و بندها، توطئه‌ها و بسیاری مسائل دیگر. صمیمیت در لحن و مضمون وقتی با آزادگی و آزاداندیشی و صداقت جبلی گوینده آن توأم می‌شود، قصه‌های شیرین، لطیفه‌ها، نکته‌سنجی‌ها و طنزپردازی‌های نسیم شمال را بیش از پیش به روح و جان مردم نزدیک می‌ساخت. سید اشرف‌الدین زمانی در سرودن اشعار نسیم شمال، از مضامین روزنامه ملانصرالدین، که با خصوصیات مشابهی در قفقاز به زبان ترکی منتشر می‌شد، الهام می‌گرفت و بسیاری از انتقادات و طنزهای منظوم آن روزنامه را، که نوشته «صابر» شاعر با ذوق و طنزپرداز آن روزگار بود، به نظم فارسی درمی‌آورد. با این همه، سید خود به این اخذو اقتباس‌ها اشاره‌ای نکرده است. در هر حال، اگر بخش‌هایی از شعرهای نسیم شمال ترجمه یا اقتباس از روزنامه ملانصرالدین باشد، بخش عمده آن ابتکار و هنر خاص خود اوست که از حال و روز وطن و مردم این سرزمین مایه می‌گرفت.

۱۵. به نیکی یاد کردن از شعرای هم‌عصر خود؛ اشرف‌الدین در اشعارش از ملک‌الشعرا بهار، ادیب‌الممالک فراهانی، علی‌اکبر دهخدا، عارف قزوینی، عشقی، فرخی یزدی، لاهوتی و... یاد کرده است.

۱۶. نامفهوم ماندن بعضی از واژه‌های فرنگی در اشعارش، با وجود تلاش‌هایی که برای درک معنایشان به عمل آمده است؛ از جمله: زاکسکه و آپلیت.

۱۷. تجلی ایران‌دوستی و تعلق خاطر اشرف‌الدین به زبان فارسی؛ از جمله:

زبان تو از هر زبان بهتر است
همین فارسی در جهان بهتر است
تو در خاک ایران از این فارسی
به جاه و جلال و حشم می‌رسی
من به ترقی وطن طالبم
بر همه از لطف خدا غالبم

منابع

۱. گیلانی، اشرف‌الدین؛ اشعار اشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال)، با تصحیح و مقدمه احمد اداره‌چی گیلانی، تهران مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۷۵.
۲. نمینی، حسین؛ جاودانه سید اشرف‌الدین گیلانی، کتاب فرزاد، ۱۳۶۳.
۳. یوسفی، غلامحسین؛ چشمه روشن، چ ۹، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۹.

نصرت‌الله

دین محمدی کرسفی

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی و دبیر ادبیات و مدرس دانشگاه پیام نور و آزاد خدابنده زنجان

وقتی شعر

«مهتاب» نیما

یوشیج را با

حکایت تمثیلی

«شب‌تاب» از

کتاب کلید دمنه

مقایسه می‌کنیم،

تشابهات فراوانی

میان این دو اثر

ادبی می‌بینیم.

به نظر نمی‌رسد

این نزدیکی و

مشابهت‌ها چیزی

از نوع «توارد»

بوده باشد. به

احتمال زیاد،

نیما تحت تأثیر

این حکایت قرار

گرفته است